



نظریه بینامتنی علامه طباطبایی؛ راهکاری برای حل مسئله فاصله بین متن و مفسر

مسئله فاصله و شکاف میان مؤلف و مفسر یکی از مسائل حوزه هرمنوتیک است ...

مسئله فاصله و شکاف میان مؤلف و مفسر یکی از مسائل حوزه هرمنوتیک است که در تاریخ تفسیر اسلامی، با توجه به تعریف تفسیر به کشف مقاصد و مدالیل آیات، هیچ‌گاه مطرح نبوده و می‌توان از طریق نظریه‌ای که علامه طباطبایی درباره تفسیر بینامتنی مطرح می‌کند، بر این مسئله فائق آمد.

قاسم پورحسن، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان نکاتی در باب دانش هرمنوتیک، انواع مختلف دیدگاه‌ها و رویکردهای موجود در این دانش، سرچشمه‌های نخستین هرمنوتیک در دنیای غرب و حوزه اسلامی، تبیین برخی از مباحث پذیرفته شده هرمنوتیک در اندیشه عالمان اسلام (مانند عینی‌گرایی، قصدیت، ...)، تبیین نقاط افتراق هرمنوتیک فلسفی و تفسیر در حوزه اسلامی (چیستی یا چگونگی شکل‌گیری فهم) و نیز شیوه مواجهه اندیشمندان و مفسران دنیای اسلام با پیشفرض‌ها در فهم متن پرداخت.

وی در بخشی از سخنان خود در باب نقش فاصله زمانی بین عصر مفسر با زمان پیدایش متن در دستیابی به مراد مؤلف اظهار کرد: در باب این مسئله سه مطلب را باید از هم تفکیک کرد: مطلب نخست آن است که مسئله شکاف یا فاصله میان متن و مؤلف متن یا مؤلف و مفسر لزوماً پرسشی متأخر است و این‌گونه نیست که در مقدماتی که مفسران مسلمان می‌نوشتند، پرسش اساسی آنها معطوف به چگونگی پر کردن این شکاف با توجه به این فاصله باشد.

استادیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی با بیان این‌که در تاریخ تفسیر به هیچ وجه مسئله‌ای با عنوان شکاف و فاصله میان مؤلف و مفسر نمی‌یابیم، بیان کرد: گویی مفسران ما معتقد نبودند که این يك مسئله اساسی در تاریخ تفسیر است.

وی تصریح کرد: اما در دوره جدید مشاهده می‌کنیم که به همان میزانی که مؤلف یا متن در روند تفسیر اهمیت دارد، مفسر نیز اهمیت دارد و بنابراین در واقع باید دو زیست‌جهان یا افق را نگاه کنیم؛ از همین جاست که این پرسش مطرح می‌شود که با این شکاف یا فاصله چه باید کرد؟ طبیعتاً راهکارهای چندی در حوزه هرمنوتیک در پاسخ به این پرسش مطرح شده است.

ملاصدرا در رساله #171؛ أسرار الآیات و أنوار البینات معتقد است که فهم معنا به سادگی به دست نمی‌آید و یکی از شروط آن تصفیه باطن است؛ این راهکار طبیعتاً به نظریه شکاف یا فاصله مؤدی نمی‌شود، بلکه مفسر نمی‌تواند به نحو مستقل فهمی از متن داشته باشد که از آن مقاصد و مدالیل جدا باشد

این محقق و پژوهشگر اضافه کرد: منتقدان گادامر معتقدند که نظریه او در پاسخ به این پرسش به نسبی‌گرایی می‌انجامد که البته او به این نقد پاسخ می‌دهد و در خوانش ریکوری نیز چنین است. بنابراین باید توجه داشته باشیم که در مطلب اول، بحث فاصله مربوط به نظریه‌ای می‌شود که معتقد است که وظیفه مفسر این نیست که در باب تفسیر کاملاً عینیت‌گرا عمل کند و يك معنای نهفته و پنهانی را بتواند از متن بیرون بکشد.

پورحسن افزود: مطلب دوم این است که در حوزه اسلامی وقتی تعریفی از تفسیر به دست داده می‌شود، چیزی به نام فاصله شکل نمی‌گیرد؛ یعنی در این تعریف، مفسر نه‌تنها باید تلاش کند که معنا را دریابد، بلکه او باید رویکردی هم‌دلانه با مؤلف و متن داشته باشد. بنابراین در جریان تفسیر اسلامی ما هیچ وزن و جایگاه منحاز و مستقلاً به مفسر نمی‌دهیم تا تفسیر او نسبی‌گرا باشد یا نباشد.

وی تصریح کرد: به عبارت دیگر وقتی که مفسران ما از تفسیر تعریفی به دست می‌دهند، معتقدند که تفسیر کشف مقاصد و مدالیل آیات است؛ یعنی آیات فی‌نفسه دارای مقاصد و دلالت‌هایی هستند و تنها تلاش مفسر این است که آنها را کشف کند. ممکن است پرسشی پیش بیاید که از کجا و با چه ملاکی بدانیم که کشف مفسر درست است که این امر نیز نه به نظریه فاصله، بلکه به نظریه اعتبار منتهی می‌شود.

رئیس گروه فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی خاطرنشان کرد: بنابراین مطلب مهم آن است که در حوزه تفسیر در میان مفسران اسلامی، چگونگی کشف آن مقاصد از اهمیت نخستین برخوردار بود و اگر این‌گونه باشد، حداکثر این خواهد بود که

ما بگوئیم تنها نقش مفسر این است که به نحوی هم‌دلانه با متن یا مؤلف همراه شود.

وی ادامه داد: جالب آن است که مفسران اسلامی از جمله صاحب مجمع البیان، فخر رازی در مفاتیح الغیب، ملاصدرا، علامه طباطبایی و دیگران، روند مهم یا رویکرد صحیح در این تفسیر هم‌دلانه را فهم یا آگاهی عمیق نسبت به آیات قرآن و زبان عربی و نیز تصفیه دل و ریاضت می‌دانند.

پورحسن در تشریح این مطلب خاطرنشان کرد: ملاصدرا در رساله «؛أسرار الآیات و أنوار البینات» معتقد است که فهم معنا به سادگی به دست نمی‌آید و یکی از شروط آن تصفیه باطن است؛ این راهکار طبیعتاً به نظریه شکاف یا فاصله مؤدی نمی‌شود، بلکه مفسر نمی‌تواند به نحو مستقل فهمی از متن داشته باشد که از آن مقاصد و مدالیل جدا باشد.

این محقق و پژوهشگر اضافه کرد: مطلب سوم آن است که به نظر می‌رسد که چه مفسران ما بدان تصریح کرده باشند یا نکرده باشند و چه بخواهیم یا نخواهیم، مسئله فاصله و شکاف در هر تفسیری، چه در حوزه متون مقدس (مانند تفسیر در حوزه مسیحیت و اسلام) و چه تفسیر مختص متون غیرمقدس باشد.

وی خاطرنشان کرد: در دوره متأخر هرمنوتیک در واقع مسئله‌ای را برای ما مطرح کرد و آن این‌که چه بخواهیم و چه نخواهیم و با هر رویکردی به سراغ متن برویم و به هر میزانی که به مفسر یا مؤلف اعتبار و وزن بدهیم، خواه ناخواه مسئله‌ای به نام فاصله شکل می‌گیرد و این فاصله می‌تواند منجر به تفسیرهای متعدد و شاید منجر به نسبی‌گرایی در تفسیر و فهم متن شود.

در حوزه اسلامی وقتی تعریفی از تفسیر به دست داده می‌شود، چیزی به نام فاصله شکل نمی‌گیرد؛ یعنی در این تعریف، مفسر نه‌تنها باید تلاش کند که معنا را دریابد، بلکه او باید رویکردی هم‌دلانه با مؤلف و متن داشته باشد.

استادیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی با اشاره به این که عمده مناقشات در دوره جدید هرمنوتیک در همین مسئله است، افزود: این مسئله، مسئله فوق‌العاده مهم و در عین حال جدید است و شاید در حوزه اسلامی کسانی که صاحب تفسیر هستند، هنوز وارد این بحث به معنای تفسیر و نه به معنای بحثی هرمنوتیکی نشده‌اند.

وی افزود: این مباحث درباره فاصله و شکاف بین مؤلف و مفسر طبیعتاً تحت تأثیر دانش هرمنوتیک در مغرب‌زمین بوده و هنوز به نحو مستقل در حوزه تفسیر اسلامی به عنوان یک پرسش و مسئله مطرح نشده (نه لزوماً از روی خوانش یکی از مفسران پیشین) و بحث جدی در ارائه پاسخ به این پرسش صورت نگرفته است.

رئیس گروه فلسفه دین پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی خاطرنشان کرد: هم‌چنان که گفته شد مفسران اسلامی تفسیر را کشف مدالیل آیات گرفته‌اند و از سویی نیز پرسش‌هایی در حوزه هرمنوتیک درباره نقش فاصله زمانی بین عصر مفسر با زمان پیدایش متن در دستیابی به مراد مؤلف مطرح شده است و به نظر می‌رسد که ما می‌توانیم تلفیقی از نظریه مفسران اسلامی و نظریه هرمنوتیک در این باب ارائه کنیم.

وی خاطرنشان کرد: می‌توان از طریق نظریه‌ای که علامه طباطبایی درباره تفسیر بینامتنی مطرح می‌کند، بر مسئله فاصله بین مؤلف و مفسر فائق آمد و یا حداقل راهکاری برای حل این پرسش ارائه کرد؛ از همین روی بنده معتقدم تفسیر بینامتنی می‌تواند تا حدی پاسخ‌گوی نظریه فاصله میان متن و مؤلف متن یا مؤلف و مفسر باشد.